■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۵۴۰ ■ دوشنبه ■ ۲۲ دی ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۱۳ | اذان مغرب ۱۷/۳۱ | نیمه شب شرعی ۲۳/۲۸ | اذان صبح فردا ۵/۴۵ | طلوع آفتاب فردا ۷/۱۴

سخن روز

پیامبر اکرم(ص):
پُرارج‌ترین مردم کسی است که آنچه را که به او مربوط نیست رها کند.
نهج الفصاحه ص۶۸ ح۳۵۵

حسین مسافر آستانه: با نیمی از ظرفیت سالن‌ها میزبان تماشاگران خواهیم بود

باتوجه به تغییر وضعیت تهران از نارنجی به زرد و بازگشایی سالن‌های سینما و تئاتر، جشنواره تئاتر فجر با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و با در نظر گرفتن نیمی از ظرفیت سالن‌های اجرا، میزبان مخاطبان خواهد شد. البته بخش عمده برنامه‌های جشنواره در فضای مجازی دنبال می‌شود و برای ما هم قدری سخت است که بخش حضوری را هم اضافه کنیم چراکه همه برنامه‌ریزی‌ها براساس شرایط و امکانات فضای مجازی انجام شده بود. با این حال حضور تماشاگران در سالن‌های تئاتر، غنیمت است و حتماً همه تلاش‌مان را به کار می‌گیریم تا این اتفاق رخ بدهد و به‌صورت فیزیکی هم پذیرای تماشاگران باشیم. تماشاخانه ایرانشهر هم آمادگی میزبانی گروه‌های نمایشی را دارد و در این چند روزه بررسی می‌کنیم که کدام گروه‌ها آماده اجرای نمایش‌های خود هستند تا بتدریج اجراهای خود را روی صحنه ببرند.

بخشی از گفته‌های دبیر سی و نهمین جشنواره تئاتر فجر در ایسنا

برای نوشتن شعری ناب
درباره رنگین کمان
چیزی لازم نیست
جز تکه ای کاغذ
و سیاهی چشم های زنی
که نمی ترسد از تنها ماندن

شعر رنگین کمان
واهه آرمن

نـــگاره
ایمان نوری نجفی

ویروس سرکش

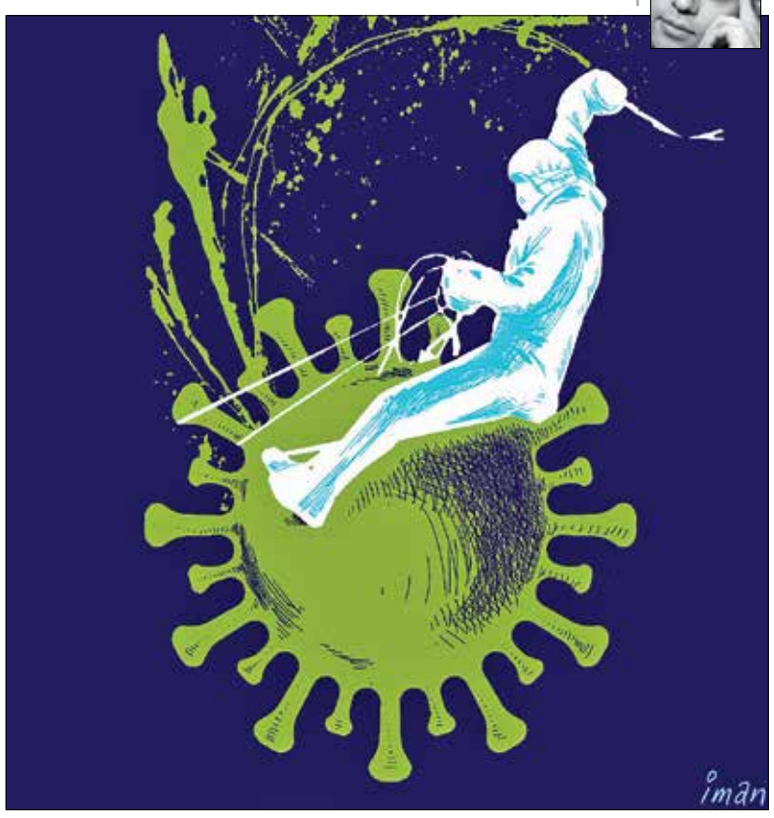

یادداشت

چند نکته درباره تئاتر نصر و زمزمه‌های بازگشایی‌اش

فریندخت زاهدی
پژوهشگر تئاتر

تئاتر نصر، جزئی از میراث فرهنگی ماست و طبیعتاً در هر دوره‌ای چنین نمادها و میراث‌هایی باید چه به لحاظ مادی و چه به‌لحاظ معنوی پاسداری شوند تا نسل به نسل به آیندگانی برسند که می‌خواهند بدانند و بفهمند که تئاتر ما از کجا آمده و چه کسانی این شعله را فروزان کرده‌اند.

هر آنچه متعلق به این تماشاخانه یا دیگر تماشاخانه‌های با قدمت کشور ماست، سند معتبر و تاریخی است که نباید بسادگی اجازه تاراج و از بین رفتن آنها را در گذر زمان داد و براحتی از کنار این مسأله گذشت. ما بارها با مسئولان ذیربط جلسه داشته‌ایم، حرف زده‌ایم و دغدغه خود را به انحای مختلف به گوش آنها رسانده‌ایم و گفته‌ایم حداقل حالا که فضای این تئاتر، تغییر کاربری داده و هیچ ربطی به اصل و اصالت خود ندارد حداقل بیاییم کاری کنیم تا میراث مکتوب و معنوی و آنچه از آن تئاترها باقی مانده از بین نرود؛ اما متأسفانه هیچ‌وقت به جواب درستی نرسیدیم. ۱۰ سال پیش هم جلسه‌ای داشتیم که در آن جلسه تأکید شد که کاربری این بخش حتماً تغییر خواهد کرد اما می‌بینیم که بعد از گذشت ۱۰ سال هیچ اتفاقی نیفتاده است. با همه اینها چندی پیش شنیدم که قصد کرده‌اند تئاتر نصر را تبدیل به موزه کنند که از نظر من و احتمالاً بسیاری دیگر از اهالی تئاتر، تصمیم درستی است و حتی می‌توانند در کنار این موزه، برنامه‌های مختلفی تدارک ببینند و با ایجاد جذابیت‌هایی تازه، باعث رونق این مکان و رفت و آمد اهل هنر و فرهنگ به آنجا شوند؛ با این همه همان‌طور که اشاره شد صرف فعل خواستن مهم است که باید اتفاق بیفتد. برای همه ما تأسفبار است که سایت‌های فرهنگی ما در بسیاری از حوزه‌های فرهنگی و هنری جلوی چشم‌مان خراب می‌شوند و با تمام آنچه در سینه تاریخ خود دارند از بین می‌روند. همین تئاتر نصر را کافی است سینه‌اش را باز کنید و ببینید چگونه و چه کسانی در این سالن امروز مخروبه رشد کرده‌اند و بعدها به بزرگان تئاتر ما تبدیل شده‌اند. من از همه کسانی که دغدغه هنر، فرهنگ و تاریخ این سرزمین را دارند می‌خواهم که با تأکید بر اهمیت توجه به تئاتر نصر و جلوگیری از تخریب بیش از پیش میراث مادی و معنوی‌اش مدیران فرهنگی را مجاب به مداخله در این امر کنند تا حداقل آنچه از این تئاتر و اسناد و مدارکش باقی مانده از بین نرود. این وظیفه همه ماست و من خوشحالم که اهالی رسانه در حوزه فرهنگ و هنر به این مهم می‌پردازند و بارها و بارها دیده‌ام که با گزارش‌ها و تصاویری که از وضعیت این تماشاخانه در روزنامه‌ها و سایت‌های خبری منتشر کرده‌اند، باعث ایجاد حساسیت و نوعی نگاه دوباره مسئولان شده‌اند و امید دارم این جریان همچنان ادامه داشته باشد. همه باید بدانند که از بین رفتن میراثی مثل تئاتر نصر، یا هر آنچه در لاله‌زار و دیگر نقاط ایران وجود دارد و میراث تاریخی ما در هنر و فرهنگ و ادب محسوب می‌شود، از بین رفتن بخش بزرگی از گذشته ماست و ما بدون گذشته راه به هیچ آینده‌ای نخواهیم برد.

سنگ کاغذ قیچی

او و آنها، نگاهی بدون تبعیض

نلی محجوب
فعال حوزه ادبیات کودک و نوجوان

جهان ما پر از تفاوت‌هاست. تفاوت‌های نژادی و قومی، زبانی، تفاوت رنگ و چهره، جنسیت، افکار و ایده‌ها و ادیان. جهان ما پراست از الگوها و سبک‌های مختلف زندگی؛ پر از باورها و اندیشه‌های مختلف و پر از تناقض. اما اینکه چطور بدون تعصب نگاه کنیم، نگاه جانبدارانه نداشته باشیم و در پی کشف و صلح باشیم مسأله اساسی است. گاهی این تفاوت‌ها ظاهری است؛ بدون هیچ ارتباط کلامی و رفتاری در یک نگاه به چشم می‌آید، مثل رنگ پوست، نژاد، کم توانی و معلولیت.

گاهی ما بالاتر می‌ایستیم و انگار از قله نگاه می‌کنیم، از همه چیز فاصله می‌گیریم، خودمان را محق می‌دانیم و دانای کل، نظر می‌دهیم و تصمیم می‌گیریم آن هم به تنهایی و با یک دید فردی و همه چیزدان. کافی است از قله فاصله بگیریم و به دامنه بیاییم. هرچه این فاصله از قله من دانا بیشتر شود و در کنار دیگران قرار بگیریم، هرچه با فاصله کمتری به دیگران نگاه کنیم، هر چه بیشتر صداهای دیگران را بشنویم، آنها را ببینیم، باورشان داشته باشیم که هر یک توانایی‌هایی دارند و صدایی و درست شنیدن را فرا بگیریم به سوی صلح و آرامش گام برداشته‌ایم. یاد گرفته‌ایم پذیرا باشیم. به صلح درونی و بیرونی می‌رسیم. دیگر آنکه از نگاه ما متفاوت است را طرد و حذف نمی‌کنیم به سخره نمی‌گیریم. باید پذیرش را از خودمان شروع کنیم و تمرین کنیم. قطعاً این مسأله باید در خانه و جامعه آموزش داده شود و هر کدام از ما سعی کنیم به الگوی عملی تبدیل شویم. احتمالاً اگر اهل کتاب خواندن برای بچه‌ها باشید قصه المر را شنیده‌اید و با مجموعه المر آشنا هستید. المر یک الگوی خوب پذیرش دیگری است. فیلی رنگی و متفاوت در جمع فیل‌های خاکستری. به همین سادگی اما با یک دنیا حرف. تا به حال به دور و برتان دقت کردید، در محیط کار، همسایه یا دوستان، همکلاسی‌های بچه‌ها و...؟

چقدر متوجه تفاوت آدم‌ها شدیم؟ چقدر متوجه مشکلات ظاهری و فیزیکی آنها شدیم؟ لکنت زبان، رفتار کلیشه‌ای، تیک‌های عصبی و معلولیت و....

اگر فرزندن مان از همکلاسی ای بگوید که مشکل فیزیکی دارد واکنش ما به لحن او در بازگویی ماجرا چیست؟ چقدر با کودک مان درباره تفاوت آدم‌ها و پذیرا بودن صحبت کرده‌ایم؟ آیا به آنها آموخته‌ایم با فرد معلول باید چگونه برخورد کرد؟ با احترام و بدون نگاه ترحم‌آمیز و تبعیض و برتری؟ و... بهترین زمان شروع این آموزش‌ها در خردسالی و کودکی است. کتاب‌های متفاوتی برای خردسالان با این موضوع منتشر شده است که قطعاً با مراجعه به فهرست‌های مناسب مثل شورای کتاب کودک، لاکپشت پرنده، کتاب سال جمهوری اسلامی، کانون پرورش و... می‌توانید آنها را انتخاب کنید. در اینجا هم چند کتاب نام می‌بریم که پیش‌تر منتشر شده مانند: «یک توپ برای همه»، «من از تو بهترم»، «من هم بغل می‌خواهم» و...

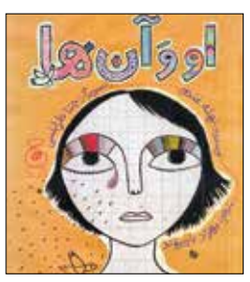

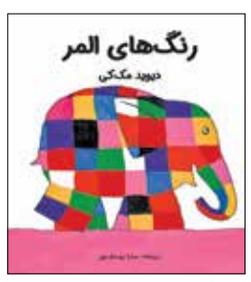

کتاب «او و آنها» ازانتشارات کتاب ج از همین دست کتاب‌هاست که امسال منتشر شده است. دختری که نمی‌تواند مثل دیگران راه برود، اما می‌خواهد در فعالیت‌های مدرسه مشارکت کند. نکته جالب این کتاب توجه به دو منظر او و آنهاست. گاه او برای پذیرش و باوراندن توانایی و نگاه ما به تفاوت او در جمع. جالب است که به‌عنوان مخاطب ماجرا را از دو منظر ببینیم و ما هم چگونه دیدن را یاد بگیریم. اگر دنبال جامعه‌ای آرام هستیم، جامعه‌ای پذیرا و بدون تنش قطعاً بالابردن پذیرش کودکان‌مان یکی از این راه‌هاست تا خوب ببینند، خوب بشنوند و نگاهی به دور از تبعیض داشته باشند. بهتر است از خانه‌هایمان شروع کنیم. در خانه همه با هم برابر باشیم.

پیشنهاد

جستارهایی برای رهبری ارکستر واژه‌ها

کتاب «رهبری ارکستر واژه‌ها» یکی از جامع‌ترین و تخصصی‌ترین آثار در حوزه فن‌بیان و آداب سخن‌وری است که به‌تازگی منتشر شده و پشتوانه آن علاوه بر دو دهه تجربه اجرا، گویندگی و سخنرانی، مجموعه‌ای از دریافت‌ها، باورها و برداشت‌ها از سفرهای تحقیقی و مطالعه برای بهره‌مندی از ممتازترین اندیشه‌های افراد صاحبنظر در چهار گوشه دنیاست و البته سال‌ها تدریس تخصصی و تألیف منابع بینارشته‌ای که علی اسدی در کارنامه خود دارد.

تجربه، آگاهی و دانش نویسنده، این کتاب را به‌کتابی قابل توجه و در خور مرجعیت تبدیل کرده که در کنار اینها نظریه‌های کلاسیک و جدید سخنوری را نیز درخودجای داده است. استفاده از مثال‌های بومی و واقعی کاملاً ایرانی در کنار نمونه‌های بین‌المللی، کتاب را قابل استفاده برای اقشار مختلف جامعه کرده است و خودآموز بودن در ارائه مباحث آن را به کتابی سهل و ممتنع تبدیل کرده تا مطالب کلان علمی و تخصصی تا حد امکان ساده‌سازی و در حد فهم همه نوع مخاطبی عرضه قرار گیرد.

در کتاب «رهبری ارکستر واژه ها» برکاربردی بودن اهتمام جدی شده تا جایی که همه مباحث آن «علمی- عملی» بوده و در کنار مطالب تشریحی، آموزه‌های فنی علمی نیز به اثر سنجاق شده است.

در سال‌های اخیر کتاب‌های بسیاری با محوریت سخنرانی تجاری، انگیزشی منتشر شده که عاری از آموزش جامع تخصصی در زمینه‌های فنی پلاتوگویی و نور و صدا و تصویر و گریم و ده‌ها مبحث ویژه مجریان تلویزیونی بوده‌اند.

کتاب «رهبری ارکستر واژه‌ها» به‌نویسندگی علی اسدی در چهار فصل، ساماندهی متن سخنرانی یا آماده‌سازی متن کلام قبل از سخنرانی، سازماندهی مقدمات و عوامل غیرمتنی سخنرانی قبل از سخنرانی، بخش کلامی هنگام سخنرانی و بخش غیرکلامی هنگام سخنرانی تنظیم، تهیه و تدوین شده و انتشارات سیمای شرق در ۴۵۷ صفحه آن را منتشر کرده است.

■ **«رهبری ارکستر واژه ها»**
■ **نویسنده و مؤلف علی اسدی**
■ **سیمای شرق**

عکس نوشت

فریده فرجام یکی از قصه‌های عامیانه قدیمی را سال ۱۳۴۵ برای انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر کرد و اکنون این کتاب پرتیراژترین کتاب کودک ایران است.
«مهمان‌های ناخوانده» سال ۹۶ برای بیست و یکمین بار تجدید چاپ و همان سال در فهرست میراث ناملموس ثبت شد. این کتاب تاکنون به زبان‌های انگلیسی و کردی و به خط بریل هم منتشر شده است.

به نام تاریخ

■ **۲۲ دی**
۱۱ ژانویه سال ۱۹۲۷ آکادمی علوم و هنرهای سینمایی معروف به اسکار تأسیس شد اما اولین مراسم اعطای جوایز آن ۱۶ مه ۱۹۲۹ برگزار شد.

■ **تولدها**

علی رفیعی: کارگردان تئاتر و سینما سال ۱۳۱۷ در چنین روزی متولد شد. علی رفیعی دوره‌های بازیگری را در فرانسه گذراند و در تئاتر ملی این کشور مشغول به‌کار شد. پس از گرفتن دکترای مطالعات تئاتر به ایران بازگشت و نمایش‌های «آنتیگونه»، «شیون و استغاثه پای دیوار بزرگ شهر» و «جنایت و مکافات» را روی صحنه برد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی رفیعی با کارگردانی نمایش‌های «یادگار سال‌های شن»، «عروسی خون»، «رومئو و ژولیت»، «شازده احتجاب»، «کلفت‌ها»، «در مصر برف نمی‌بارد»، «شکار روباه»، «یرما»، «خاطرات و کابوس‌های یک جامه دار از زندگی و قتل میرزا تقی خان فراهانی» و «خانه برنارد آلبا» و با ساخت فیلم‌های «ماهی‌ها عاشق می‌شوند» و «آقا یوسف» کارش را ادامه داد.

ترانه علیدوستی: بازیگر سینمای ایران سال ۱۳۶۲ در چنین روزی به‌دنیا آمد. ترانه علیدوستی از دوران تحصیل در دبیرستان در کلاس‌های بازیگری امین تارخ شرکت کرد و سال ۱۳۷۹ از طریق همین کلاس‌ها برای بازی در فیلم «من ترانه ۱۵ سال دارم» انتخاب شد. «شهر زیبا»، «چهارشنبه سوری»، «کنعان»، «شیرین»، «تردید»، «درباره الی»، «زندگی با چشمان بسته»، «پذیرایی ساده»، «آسمان زرد کم عمق»، «زندگی مشترک آقای محمودی و بانو»، «مادر قلب اتمی»، «استراحت مطلق» و «فروشنده» دیگر فیلم‌هایی هستند که علیدوستی در آنها بازی کرد که برای «من ترانه ۱۵ سال دارم» و «چهارشنبه سوری» برنده سیمرغ بلورین از جشنواره فیلم فجر شد. او در این سال‌ها با بازی در سریال «شهرزاد» در شبکه نمایش خانگی بیشتر هم مطرح شد.

نگار جواهریان: یکی دیگر از بازیگران زن سینمای ایران هم سال ۱۳۶۱ در چنین روزی به دنیا آمد. نگار جواهریان بازیگری را از سال ۱۳۸۰ و با فیلم «من ترانه ۱۵ سال دارم» آغاز کرد. پس از آن در فیلم‌های «قدمگاه»، «چند تار مو»، «خوابگاه دختران»، «پابرهنه در بهشت»، «نسل جادویی»، «جعبه موسیقی»، «صد سال به این سال‌ها»، «تنها دو بار زندگی می‌کنیم»، «شیرین»، «کتاب قانون»، «شبانه روز»، «طلا و مس»، «هیچ»، «یه حبه قند»، «اینجا بدون من»، «بی‌خود و بی‌جهت»، «قصه‌ها»، «آشغال‌های دوست داشتنی»، «حوض نقاشی»، «ملبورن»، «پریدن از ارتفاع کم»، «قندون جهیزیه»، «اعترافات ذهن خطرناک من»، «دوئت»، «نگار»، «گرگ بازی»، «طلا» و «مجبوریم» بازی کرد. او برای «طلا و مس» سیمرغ بلورین بهترین بازیگر زن را از جشنواره فیلم فجر گرفت.

واهه آرمن: شاعر ارمنی- ایرانی سال ۱۳۳۹ در چنین روزی به دنیا آمد. دو مجموعه شعر اول واهه آرمن با نام‌های «به سوی آغاز» و «جیغ» به زبان ارمنی نوشته شده بودند اما پس از آن با ترجمه اشعارش به فارسی توسط خودش و مترجمان دیگر بیشتر مطرح شد. اشعار فارسی آرمن در مجموعه‌های «بال‌هایش را کنار شعرم جا گذاشت و رفت»، «پس از عبور درناها»، «باران بگیرد، می‌رویم» و «به رنگ دانوب» منتشر شده است. ضمن اینکه او اشعار پونه ندایی و رسول یونان را به ارمنی ترجمه کرده و اشعار شاعران ارمنی مانند ادوارد هاخوردیان و هوانس گریگوریان را به فارسی ترجمه کرده است.

فریده فرجام: نویسنده و اولین نمایشنامه نویس زن ایرانی سال ۱۳۱۳ در چنین روزی به دنیا آمد. داستان‌های فریده فرجام از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۵ در مجله‌های فردوسی، خوشه و بامشاد منتشر شدند. او هنگام تحصیل در رشته زبان و ادبیات فرانسه در دانشگاه در کلاس‌های تئاتر هم شرکت کرد و همان زمان نمایشنامه‌نویسی را هم آغاز کرد و نمایشنامه‌های «عروس»، «هوای مقوایی»، «خانه بی‌بزرگتر»، «سیندخت» و «تاجماه» از نمایشنامه‌های او هستند. فرجام به‌عنوان نویسنده کودکان هم شهرت دارد و «مهمان‌های ناخوانده» و «حسنی» مشهورترین اثر او در ادبیات کودک و نوجوان است.

● سالروز تولد **جعفر والی** کارگردان و بازیگر، **زهرا اسماعیلی** بازیگر، **احمد شهادی** نمایشنامه نویس و کارگردان، **مسعود شعاری** مدرس و نوازنده سه تار و **مهناز آذرنیا** شاعر هم امروز است.

■ **درگذشت‌ها**

احمد عاشورپور: پدر موسیقی محلی گیلان سال ۱۳۸۶ درگذشت. احمد عاشورپور متولد ۱۲۹۶ بود و در دوران جوانی به‌دلیل استعدادی که داشت به ابوالحسن صبا معرفی شد و خوانندگی در رادیو تهران را آغاز کرد. عاشورپور در سال‌های فعالیتش با بازآفرینی خلاق و هنرمندانه موسیقی محلی گیلان به زنده ماندن این موسیقی کمک کرد و ترانه‌هایی مانند «آی لیلی»، «آهوو»، «گیلکه جان»، «گول بیاره»، «اوی لیلی»، «جانه کور»، «می دیل» و «جان مریم» تعدادی از آثار او هستند. عاشورپور ترانه هم می‌سرود که ترانه‌ها، خاطرات و نت آثار مشهور او در کتاب «آفتاب خیزان، دریا طوفان» منتشر شده است.

● **ابوسعید ابوالخیر** عارف و شاعر، **فیروز بهجت محمدی** بازیگر و **آنیتا اکبرگ** بازیگر سوئدی هم در چنین روزی درگذشتند.

شهروند مجازی
یگانه خدامی

#آلودگی_هوا

هشتگ

هوای تهران و ۱۱ شهر خرم‌آباد، اراک، قم، مشهد، ارومیه، تبریز، بجنورد، اهواز، کرج و اصفهان دوباره آلوده شد و در شهرهایی مانند تهران به سطح ناسالم برای تمام افراد جامعه رسید. به همین دلیل کسانی که از خانه بیرون رفته بودند از شرایط هوا و مشکلاتی که برایشان پیش آمده نوشتند. کاربران زیادی هم از اینکه چرا راهکاری برای حل این مشکل ارائه نمی‌شود گلایه می‌کردند:

«وضعیت هوای امروز تهران، خیلی خیلی افتضاحه. کمتر بوده چنین وضعیتی رو دیده باشم.»، «هوای تهران سم خالصه. سرطان تضمینی»، «اون مازوت رو نسوزون، داریم زیر دود دفن میشیم از خفگی گذشت دیگه»، «آلودگی دست‌بردار هوای اصفهان نیست؛ هوای اصفهان همچنان در وضعیت قرمز»، «روی ماسک سه‌لایه بیمارستانی کرونا، یه ماسک n۹۵ آلودگی هوا میزنیم و میریم مرحله بعد»، «توی این دو سه هفته که آلودگی هوا خیلی زیاد بود بالغ بر ده روز سر درد شدید داشتم جوری که قرص هم درمان درد نبود.تهران مدتهاست که دیگه شهر زندگی نیست و هر روز هم بدتر می‌شه. کاش حداقل یجوری میشد از زندگی تو تهران خلاص بشیم»، «کرونا، آلودگی هوا، ترافیک، جماعت غمگین و عصبانی.»، «به مرحله خوشایندی رسیدیم که دائم سردرد داریم ولی متأسفانه نمیدونیم دلیلش کدومیک از عزیزان کرونا یا آلودگی هوا یا پارازیت یا فشار اقتصادی یا آلودگی صوتی و ترافیک همیشگی تهرانه.... چیزی رو از قلم نداختم که؟»، «ماها که از کرونا نمردیم از آلودگی هوا قطعاً سرطان میگیریم و میمیریم.»، «آلودگی هوا این قدر زیاد شده دیگه ذرات آلاینده رو میشه با چشم غیر مسلح هم دید. خدایا خودت یه خرده بهمون رحم کن»، «پامو از خونه میزارم بیرون توی این آلودگی با هر نفسی که میکشم داغون شدن ریه‌هامو احساس می‌کنم بعد پوستم شروع میکنه به خارش بعدش کلاً چشمام قرمز میشه شروع میکنه به سوزش.»، «قشنگ هر ۱ ساعت یه بار چشمام شروع میکنن سوختن و اشک اومدن. فکر میکردم بعد ۱۹ سال زندگی به آلودگی هوای تهران عادت کنم اما واقعاً اولین باره اینجوری میشم. معلوم نیست چی ریختن تو هوا که سیستم بدنی منی که هیچیم نمیشد هم بهم ریخته»، «هوای تهران یه جوریه که اگه شما به جای نفس عمیق، یه پاکت سیگار بکشی هوای سالم‌تری میدی داخل ریه‌هات.»، «هوای تهران یجوریه، نفس که میکشی انگارداری دوسیب آلبالو میکشی با قلیون عربی...»، «جالبه این سناریوی تا حد مرگ کثیف شدن هوای تهران هشت میلیون نفره توی نیمه دوم سال و همین‌جوری موندنش به امید اینکه بارندگی بشه و ما زنده بمونیم هر سال تکرار می‌شه و کلاً هیشکی هیچ کاری نمی‌کنه»، «چرنوبیل واقعی را در تهران تجربه کنید».

مهاجرت مجازی

ماجرا

خبرهای جدیدی که از پیام رسان واتس‌اپ منتشر شده موجی را علیه آن در شبکه‌های اجتماعی ایجاد کرده است. در کشورهایی مانند ترکیه کاربران زیادی این پیام‌رسان را حذف کرده‌اند چون اعلام کرده کاربران باید با قوانین جدید موافقت کنند تا داده‌های شخصی آنها در اختیار فیسبوک قرار بگیرد و کسانی که با قوانین موافقت نکنند، به‌زودی امکان استفاده از واتس‌اپ را از دست خواهند داد. کاربران ایرانی هم که بعد از فیلتر شدن تلگرام از این پیام‌رسان بیشتر استفاده می‌کردند به‌دنبال پیدا کردن پیام‌رسان جایگزین هستند و در کنارش از مشکلات همیشگی واتس‌اپ می‌نویسند: «واتس‌اپ جوک میگه یا جدی جدی فکر می‌کنه استفاده ازش خیلی حیاتی هست؟»، «حالا چرا زاکربرگ داره سر واتس‌اپ رو میبُره؟ دقیقاً چه هدفی داره که میخواد همه رو مجبور کنه مجوز نشر اطلاعاتشون تو فیسبوک رو بدن بهش؟»، «انگار دیگه وقت مهاجرته، از دیروز دسته دسته، فوج فوج از واتس‌اپ به سیگنال مهاجرت کردن»، «یعنی می‌شه در یک اقدام هماهنگ واتس‌اپ رو بندازیم تو سطل زباله؟»، «حالا خوبه پیام‌رسان درست و درمونیم نیست. اون از توئیتر اینم از واتس‌اپ. دیگه کم کم داغ بردگی هم میزنن پشتمون، دور نیست اون روز!»، «همینجاست که میگن انحصار مشکل سازه حالا هرجای دنیا باشه»، «ولی من حساسیت‌ها رو درک نمی‌کنم. یعنی شک دارید که الان کل زار و زندگیتون دست گوگله؟»، «ملل دیگه از واتس‌اپ مهاجرت کردن به تلگرام. ما به کجا مهاجرت کنیم؟»، «داشتم چندین مطلب از بعضی از مجلات و اشخاص و... در جهان مطالعه می‌کردم درباره اتفاقات اخیر واتس‌اپ. بالاخره دیدم در یکی از روزنامه‌ها یک مطلب درج شد که حقیقت تلخی را یاد آور شد که تمام جهان در حال مهاجرت از واتس‌اپ هستند اما در ایران عدد خاصی جابه جا نشده»، «تلگرام که فیلتر باشه واتس‌اپ ابوعطا می‌خونه».